

نحوه ورود دبیرخانه جامعه به بحث تحقق شعار سال

«حماسه اقتصادی و فرهنگی با عزم ملی و مدیریت جهادی»

شناخت مخاطب

هنگامی که شعار فوق مبتنی بر «عزم ملی» تعریف شده است، بی‌تردید به معنای نیاز به حضور تمامی عناصر مؤثر در بروز حماسه اقتصادی و فرهنگی است. غایت مفهوم مذکور این است که بدون یک حرکت هماهنگ و یکپارچه و گسترده هدف مورد نظر قابل حصول نمی‌باشد.

جامعه مدرسین در ورود به این موضوع نمی‌تواند تنها به انجام وظایفی درونی و مربوط به خود بسنده نماید. بی‌تردید نقش اصلی جامعه مدرسین باید در تحقق عزم ملی تصویر گردد، عزمی که با صفت «مدیریت جهادی» محقق شود. لذا جامعه مدرسین باید محرک و مشوق فعالانی باشد که حضورشان می‌تواند عزم ملی را رقم بزند.

مادامی که دبیرخانه قصد دارد راهکارهای ورود تأثیرگذار جامعه مدرسین در عرصه تحقق کیفی شعار سال را بررسی نماید، روشن است که نخستین گام باید شناخت مخاطبین جامعه باشد؛ آن مخاطبینی که جامعه مدرسین باید بتواند در کنش اجتماعی آنان مؤثر باشد و به سوی مدیریت جهادی در موضوعات اقتصادی و فرهنگی دارای اولویت سوق دهد.

ابتدا نهادهای نظام را بر می‌شمیریم؛ گروه‌هایی که در جمهوری اسلامی ایران فعال می‌باشند.

نهادهای دخیل در تحقق شعار سال بر اساس وظیفه

نهادهای فعال در جمهوری اسلامی را در نگاره‌ای پیش‌نویسته، مربوط به امت اسلامی، به هشت دسته تقسیم نمودیم، بر اساس وظیفه‌ای که بر عهده دارند و موضوع کلانی که متکفل آن می‌باشند:

۱. نهادهای تقنینی: قانون‌گذاری می‌کنند.
۲. نهادهای اجرایی: قوانین را اجرا می‌نمایند.
۳. نهادهای قضایی: به تخلفات از قوانین می‌پردازند.
۴. نهادهای اطلاعاتی و امنیتی: در مقابل فتنه‌گران خارجی و داخلی ایستادگی می‌نمایند.
۵. نهادهای پژوهشی: قدرت علمی نظام را افزایش می‌دهند.
۶. نهادهای آموزشی: قدرت علمی نظام را ترویج می‌دهند و نیروی متخصص می‌آفرینند.
۷. نهادهای تبلیغی: قدرت روحی و معنوی جامعه را عمق می‌بخشند.
۸. نهادهای رسانه‌ای: ارتباط حاکمیت با مردم را تقویت کرده، ارتباطات را تسهیل می‌کنند.

هر کدام از این دسته‌ها می‌تواند شامل نهادها و گروه‌های متعددی باشد که در فهرست فوق صرفاً بر اساس وظیفه در کنار هم گرد آمده‌اند.

عناوینی که در نمودار ذیل قابل مشاهده است:

نهادهای وظیفه‌گرای جمهوری اسلامی ایران

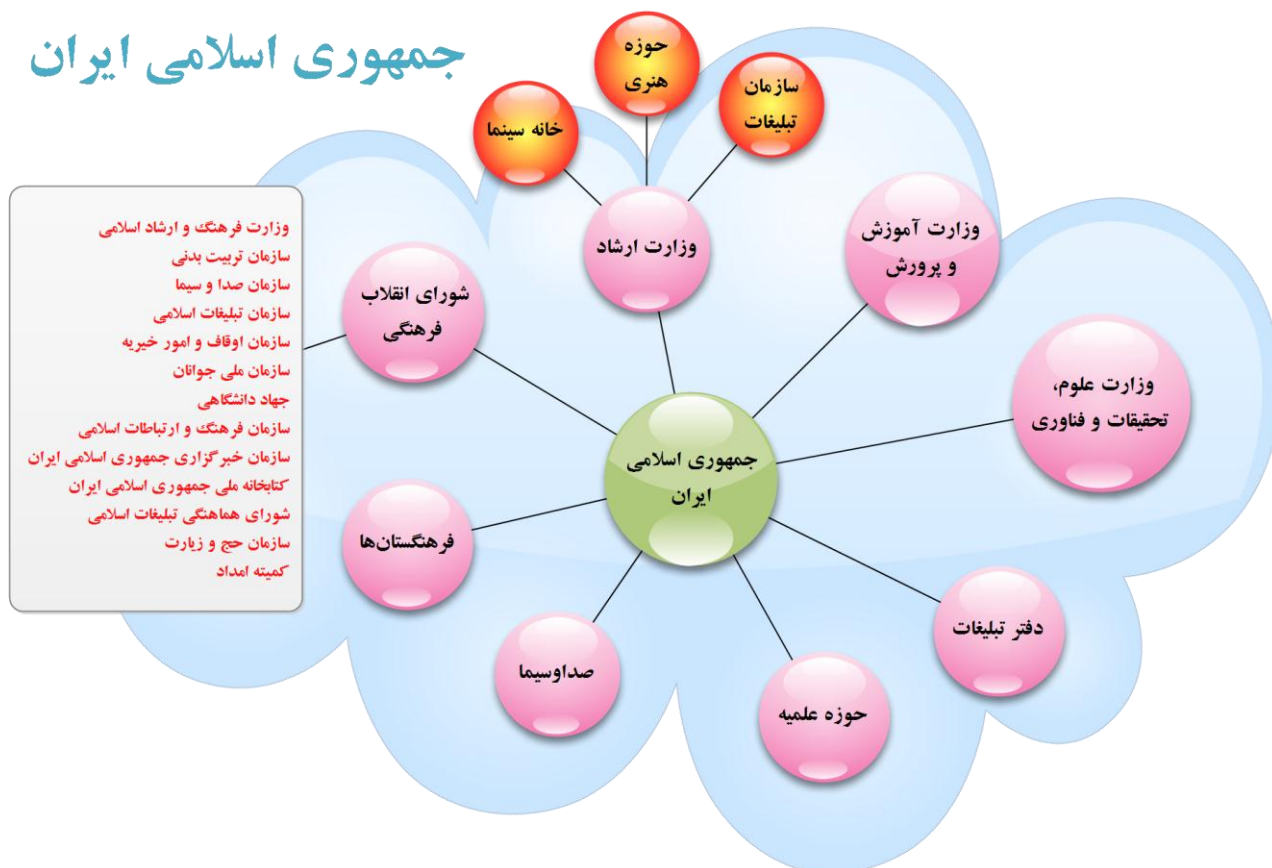


نهادهای دخیل در تحقق بخش فرهنگی شعار سال

جامعه مدرسین اگر بخواهد نهادهای نظام را مخاطب مستقیم قرار بدهد، نمی‌تواند به عنوان کلی وظیفه‌محور بسنده نماید.

در یک نگاه اجمالی، نهادهای دخیل و مؤثر در عرصه فرهنگ کشور به قرار ذیلند:

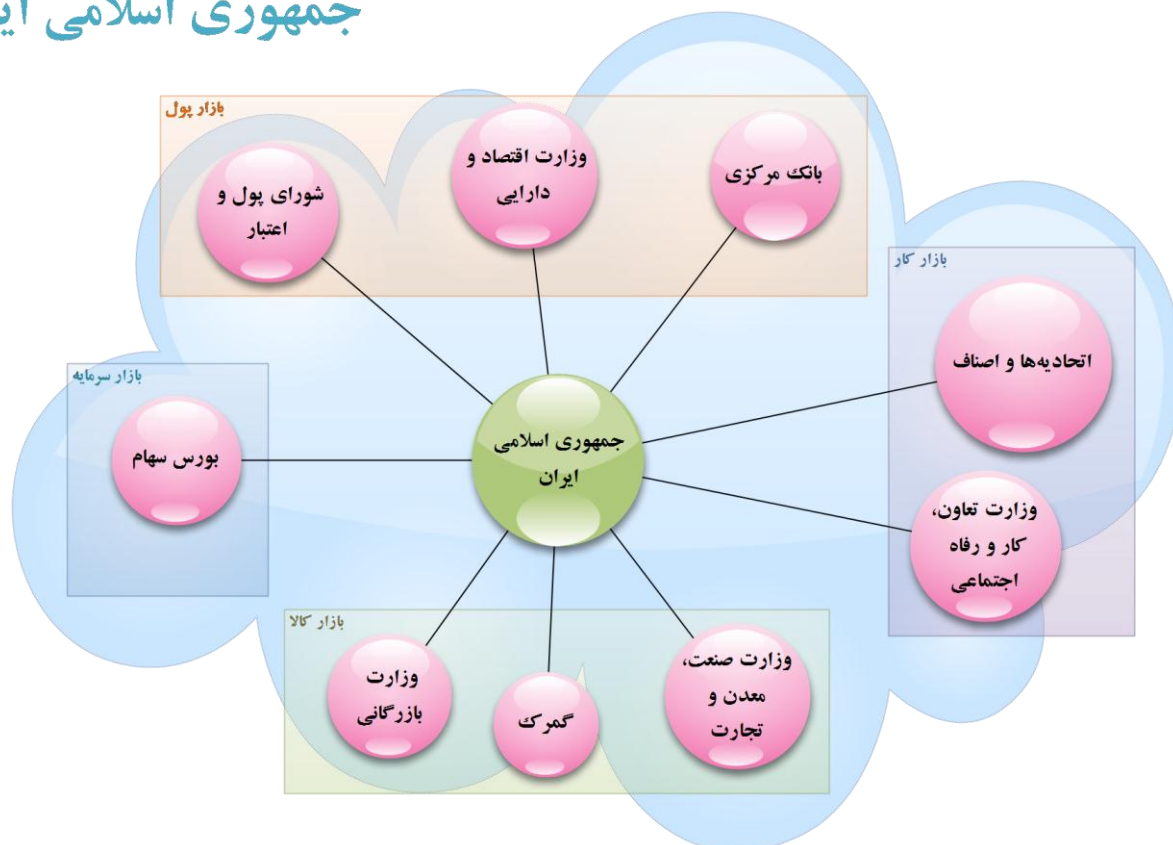
نهادهای فرهنگی جمهوری اسلامی ایران



نهادهای دخیل در تحقق بخش اقتصادی شعار سال

و البته در بخش اقتصاد، بر اساس چهار بازار اصلی در نظریه بازار آزاد، می‌تواند نهادهای ذیل را ذکر نموده و دسته‌بندی نمود:

نهادهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران



درگیر بودن تمامی نهادهای نظام در تحقق شعار سال

بر اساس ترتیب ذکر شده در فوق، مخاطب جامعه مدرسین تنها باید به همین نهادها محدود شود. اما توجه به پیچیدگی موضوعات اقتصادی و فرهنگی با هم و همچنین دخیل بودن حوادث و مواضع سیاسی در آن دو، مانند تحریم و امثال آن، نمی‌توان تنها عناوین نهادهای تخصصی فرهنگی و اقتصادی را ذکر نمود و تحقق شعار سال را به آن‌ها کفایت داد.

نهادهای دخیل در تحقق شعار سال بر اساس عنوان

در یک نگاه کلان، وقتی از «عزم ملی» برای تحقق شعار یاد می‌شود، فرض اولیه این است که تمامی قوای نظام اسلامی باید درگیر تحقق حماسه اقتصادی و فرهنگی شود.

از این رو، ابتدا باید قوای نظام اسلامی را به درستی بشناسیم و فهرست کنیم و نهادهای زیرمجموعه هر یک را به تفکیک مخاطب قرار دهیم.

قوای رسمی جمهوری اسلامی

اسناد رسمی قوای ثلاثه را برای جمهوری اسلامی در نظر گرفته است؛ مقننه، مجریه و قضاییه. این قوا برای داشتن تعادل و رفع اختلافات و همچنین اصلاح جهت‌گیری‌ها، تحت نظر ولی فقیه عمل می‌نمایند.

نظریه منتسکیو و نظریه انقلاب

گفته می‌شود این نحوه تفکیک بین قوا که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ذکر شده است متأثر از نظریه منتسکیو است.

وی که در قرن ۱۸ میلادی در فرانسه می‌زیسته، بر خلاف گذشتگان خود، مانند: افلاطون، ارسطو و حتی جان لاک، معتقد به تفکیک «کامل» قوای سه‌گانه مذکور از یکدیگر بود. او معتقد بود که این تفکیک کامل تنها راه رسیدن به آزادی و تعادل بین قوا بوده، قدرت آن‌ها را تنظیم کرده و مانع بروز دیکتاتوری می‌شود.

در جهان اسلام، اما این نظریه به دلیل اختلافاتی که با مبانی توحیدی داشت به چالش کشیده شده و با قرار گرفتن یک قدرت فراتر از قوای سه‌گانه تعدیل شد. تقریباً در تمامی بلاد اسلامی چنین نقشی و رای قوای سه‌گانه در نظر گرفته شده و وجود دارد.

انقلاب اسلامی نیز پس از پیروزی نظریه تفکیک قوا را تحت نظریه ولایت فقیه امام راحل ره درج نمود. چنین حاکمیتی که به نظر شهید بهشتی «نظام امت و امامت» نامیده می‌شود، در حقیقت قوه جدیدی را رهبر سایر قوا قرار می‌دهد که البته در اسناد رسمی از آن با نام قوه یاد نشده است.

قوای عینی جمهوری اسلامی

اگر به سوی واقعیت نظر افکنیم و تعریف حقیقی قوه را در نظر بگیریم؛ نهادی که بخشی از قدرت اجتماعی در آن متمرکز شده است، شاید دقیق‌تر این باشد که به وجود قوای بیشتری در نظام اسلامی اذعان نماییم. کما این‌که در تدوین قانون اساسی، در ابتدای انقلاب، نیز پیش‌نویس‌های متنوعی برای قانون اساسی ارائه شده بود که بعضی به تعداد قوای بیشتری اشاره داشتند.

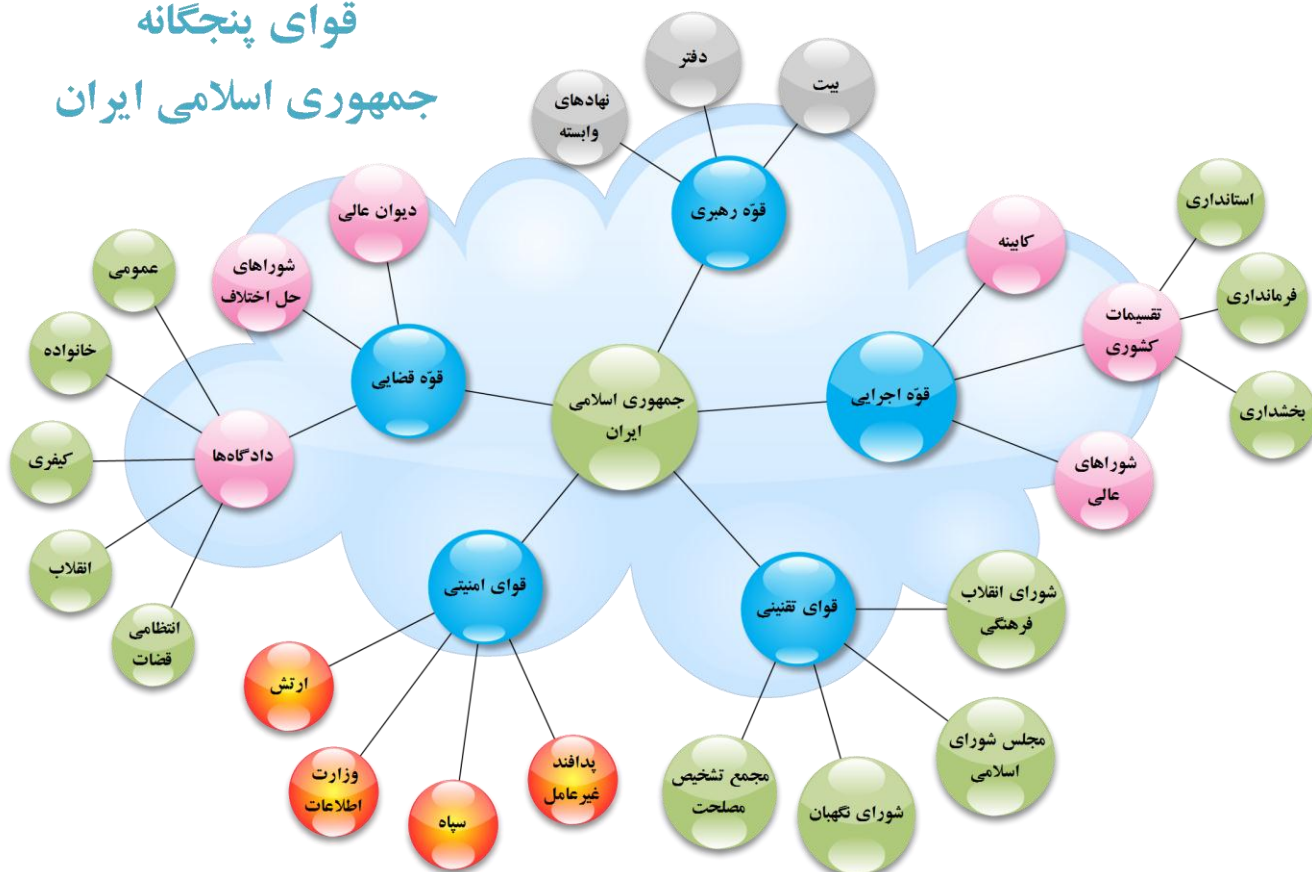
قوای پنجگانه

اگر قوه رهبری را یک نهاد تأثیرگذار در جامعه بشناسیم که در واقعیت همین‌طور است، قدرت این نهاد یک قوه از قوای نظام اسلامی به حساب می‌آید. اگر چه این نهاد عدل سایر قوا نیست و در جایگاهی فراتر قرار گرفته است، اما سبب نمی‌شود تا نظریه تفکیک قوای سه‌گانه بر هم بخورد، لذا آن سه قوه را در هم فرو نبرده و تبدیل به یک قوه ننموده است. آن‌چنان که نهاد رهبری را داخل هیچ‌یک از قوا بر نمی‌شمیریم، باید بپذیریم که قوه‌ای مستقل در نظام اسلامی است.

از سوی دیگر واگذاری فرماندهی کل قوا به ولی فقیه و در حقیقت قوه رهبری، آن را از سیطره قوای دیگر خارج نموده است، چیزی که در نظریه‌های تفکیکی معمولاً تحت قوه مجریه درج می‌شود.

عدم دخالت پی‌درپی قوه رهبری در فعالیتهای نهادهای امنیتی سبب شده است که آن نیز به نوبه خود تبدیل به یک قوه مستقل شود. به نحوی که می‌توان از آن در کنار سایر قوا نام برد.

قوای پنجگانه جمهوری اسلامی ایران



قوای ششگانه

معتقد شدن به قوای پنجگانه غفلت از یک قوه مهم و اصلی در نظام اسلامی است که امثال منتسکیو و جان لاک اصلاً در مقیاسی نبودند که بتوانند بدان توجه نمایند؛ قوه مردم!

آن میزان ارج و اهمیتی که از سوی امام راحل ره به نقش مردم در نظام اسلامی داده شده است، بعید به نظر می‌رسد جز در صدر اسلام و در زمان حاکمیت راستین اسلامی مورد توجه قرار گرفته باشد.

تمامی نظام‌ها در صدد هستند قدرت مردم را در تصرف خود گرفته و به حاکمیت ضمیمه نمایند، تا از جانب آنان تصمیم گرفته و امور را پنهانی و خارج از اختیار عموم جامعه به انجام رسانند.

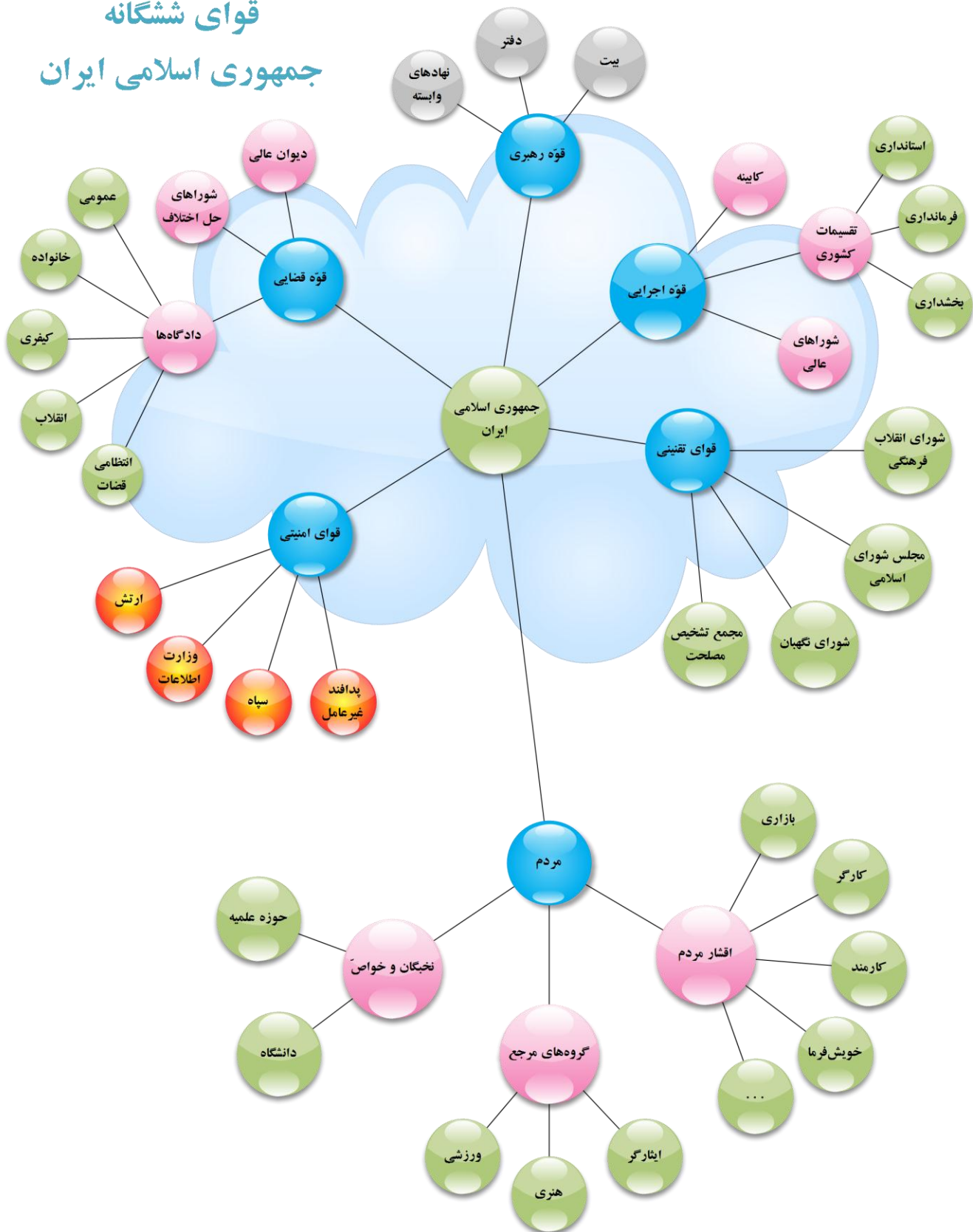
کلیه نظریه‌های دموکراتیک نیز بر همین نکته متکی است؛ این که مردم در یک قرارداد اجتماعی تمامی قدرت سیاسی و فرهنگی و اقتصادی خود را در مقیاسی کلان به نمایندگان واگذارند، رئیس قوه مجریه، یا نمایندگان مجلس تقنین، و سپس به خانه خود بروند و بالکل با این تفویض سلب قدرت شوند.

اما نظام اسلامی ثابت کرده که هر لحظه در ارتباط با مردم است و مردم در تصمیمات کلان حضور جدی دارند. مردم پیوسته حضور خود را نشان می‌دهند و بسیار از بلایا و فتنه‌ها را مردم هستند که دفع می‌کنند. مردم در نظام اسلامی یکی از قوای قویّه نظام بوده و پیوسته در ارتباط با سایر قوا عمل می‌نمایند.

در هر شرایط حسّاسی که هر یک از قوا در عملکرد خود ضعیف نمود، تفویضی در کار نبوده که بازگشت‌ناپذیر باشد، مردم سریعاً می‌توانند با هدایت خواص و نخبگان وارد صحنه شده و وکالت اعطایی را فسخ نمایند.

لذا شایسته است قوای نظام اسلامی را چنین در نظر بگیریم:

قوای ششگانه جمهوری اسلامی ایران



شناخت عمکرد

با روشن شدن مخاطب جامعه مدرسین، نهادهایی که بایستی در پیدایش «عزم ملی» مشارکت داشته باشند، اکنون باید افعالی را شناسایی کرد که جامعه مدرسین می‌تواند بدان‌ها مبادرت ورزد و از آن طریق در این حماسه حضور تأثیرگذار یابد.

برای یافتن قلمرو فعالیت جامعه مدرسین ابتدا به سراغ اساسنامه آن می‌رویم.

اهداف و چشم‌انداز جامعه

در اساسنامه جامعه، اهداف در ۷ بند ذکر شده است:

اهداف و وظایف

ماده ۸۵) جامعه مدرسین یک نهاد علمی فرهنگی، سیاسی است و با اهداف زیر فعالیت می‌کند:

الف) ترویج و گسترش معارف اسلام ناب محمدی و مکتب اهل بیت معصومین علیهم السلام؛

ب) دفاع از قرآن و عترت و ارزشهای اسلامی؛

ج) زمینه سازی و جهت دهی به تحقیقات در علوم و معارف اسلامی؛

د) تلاش برای اصلاح و تکمیل و اعتلاء برنامه‌های حوزه‌های علمیه از طریق شورای عالی حوزه؛

ه) دفاع از نظام اسلامی و ولایت فقیه؛

و) ایجاد زمینه مناسب جهت پرورش نیروهای حوزوی مورد نیاز نظام اسلامی؛

ز) انجام سایر اموری که برای رسیدن به اهداف جامعه مدرسین ضرورت دارد مانند تأسیس مؤسسات فرهنگی و غیره؛

جامعه مدرسین؛ بی‌بدیل، ریشه‌دارترین و تأثیرگذارترین تشکل مستقل حوزوی است و نماد هویت و پشتوانه حوزه علمیه و سخنگوی آن در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی که با اتکا بر مجمع عمومی وسیع خود، متشکل از مدرسین سطوح عالی و ارتباط نزدیک با زنجیره علمای بلاد و عموم طلاب و مجامع جهانی، توانا در جذب عضو و حفظ جهت حرکت خود می‌باشد و می‌تواند ضمن بسط و تقویت ارتباط با نظام اسلامی، روحانیت و مردم، در مسائل مهم موضع کارشناسانه اتخاذ نماید و برای رفع حوائج مردم به اطلاع آنان برساند.

متن مزبور تنها به بیان اهداف اکتفا نموده و چیزی از فعالیت‌هایی که می‌تواند آن اهداف را تأمین نمایند نگفته است. قطعاً نهادهای دیگری در نظام می‌توان یافت که تقریباً همین اهداف را در نظر داشته باشند، اما عملکردهای هر نهاد تابعی است از توانمندی‌های آن و میزان نفوذی که در جامعه اسلامی دارد.

هویت و وظایف جامعه

از فرمایشات مقام معظم رهبری چنین وظایفی برای جامعه مدرسین استخراج شده است:

جامعه مدرسین «مطلوب» در ۱۰ سال آینده

در سال ۱۴۰۰ هـ.ش. جامعه مدرسین نهادی حوزوی با ویژگی‌های ذیل است:

۱. عمیق‌ترین و ریشه‌دارترین تشکّل حوزوی با عمری طولانی و همچنان بی‌بدیل و منحصر بفرد
۲. تأثیرگذار بر فضای عمومی حوزه و طلاب و فضای بیرون حوزه
۳. همچنان نشانه و شاخص برای خط امام و انقلاب، خط اصیل و صراط مستقیم
۴. مستقل و غیر تحت امر نهادی دیگر، حتی نهاد رهبری
۵. دارای اعتباری درونی و غیرمأخوذ از هیچ مقام یا مرجع دیگر
۶. دارای مسیری مشخص بر اساس فهم صحیح از هویت خود
۷. عدم وابستگی به اشخاص و افراد و وابسته بودن به «حرکت در جهت هدف»
۸. توانا در جذب و تزریق آدم‌های مناسب برای کارهای: سیاسی، علمی، اخلاقی، تشکیلاتی و حکومتی
۹. نماد هویت حوزه علمیه و زبان سخنگوی آن در اعلام موضع
۱۰. از یک‌سو ناظر به حوزه علمیه و از سوی دیگر ناظر به جامعه، کشور و نظام سیاسی
۱۱. تجلّی حضور سیاسی حوزه در جامعه
۱۲. پشتوانه فکری و شخصیتی حوزه علمیه
۱۳. دارای تشکیلاتی کامل و دبیرخانه‌ای فعال در ارتقاء اطلاعات و به روز کردن آگاهی‌های اعضا
۱۴. متکی بر قاعده‌ای کاملاً وسیع با عنوان مجمع عمومی برای انتخاب اعضای شورای مرکزی
۱۵. امید دادن به فضایی جوان با عضویت مدرسین سطح در مجمع عمومی و حضور در تصمیم‌گیری
۱۶. دارای تشکلی جهت ساماندهی اساتید سطح، تقویت ارتباط و همراهی آنان
۱۷. دارای بازوهای ارتباط دائم با علمای بلاد و فضایی حوزه
۱۸. بهره‌گیر از زنجیره و مجموعه عظیم ائمه جمعه و جماعات در انتخابات‌ها، تبادل اطلاعات و جذب استعدادها
۱۹. مرتبط با مجامع جهانی و حضور در آنها از طریق کمیته بین‌الملل
۲۰. در ارتباط نزدیک با طلاب معمولی و متعارف و شنیدن خواسته‌ها و حرف‌های آنان
۲۱. با محدوده وظایف کاملاً تعریف شده

که وظایف ذیل را بر عهده دارد:

۱. موضع‌گیری کارشناسانه، قوی، مستدل و به دور از هیجان‌زدگی در تمام مسائل مهم
۲. برقراری ارتباط هدفدار و تأثیرگذار در سه محور: ارتباط با نظام، روحانیت و مردم
۳. شناخت علم مورد حاجت، زبان مورد تفاهم و شبهه تهدیدکننده مردم در ارتباط با آنان
۴. ترسیم اهداف مطلوب از ارتباط در محورهای سه‌گانه مذکور
۵. تفهیم بحران‌های فکری و بحران‌های عقیدتی در ارتباط با مراجع
۶. فعالیت سیاسی غیرحزبی و فراجناحی، بر محور وساطت
۷. افزایش و تقویت ارتباط خود با مراجع و افکار عمومی حوزه
۸. طرح، نشر و اشاعه شعار تقویت پایه‌های علمی حوزه

وظایف

۱. موضع‌گیری کارشناسانه در مسائل مهم
 - ۱/۱. فعالیت سیاسی غیرحزبی و وساطت‌گونه
۲. برقراری ارتباط تأثیرگذار با نظام اسلامی، روحانیت و مردم
 - ۱/۲. ترسیم اهداف ارتباط
 - ۲/۲. شناخت حوائج مردم
 - ۳/۲. تفهیم بحران‌ها به مراجع
 - ۴/۲. تقویت ارتباط با مراجع و حوزه
 - ۵/۲. نشر شعار تقویت علمی حوزه



با نگاهی به گذشته تاریخی و درخشان جامعه مدرسین نیز می‌توان به روشنی دریافت که این مجموعه همواره مشتمل بر نخبگان و اساتیدی از حوزه علمیه بوده که در هر زمانی با شناسایی وضعیت موجود و شرایط محقق در جامعه اسلامی، به راهکارهای مؤثر دست یافته و از سه طریق آن را به منصفه ظهور می‌رساندند.

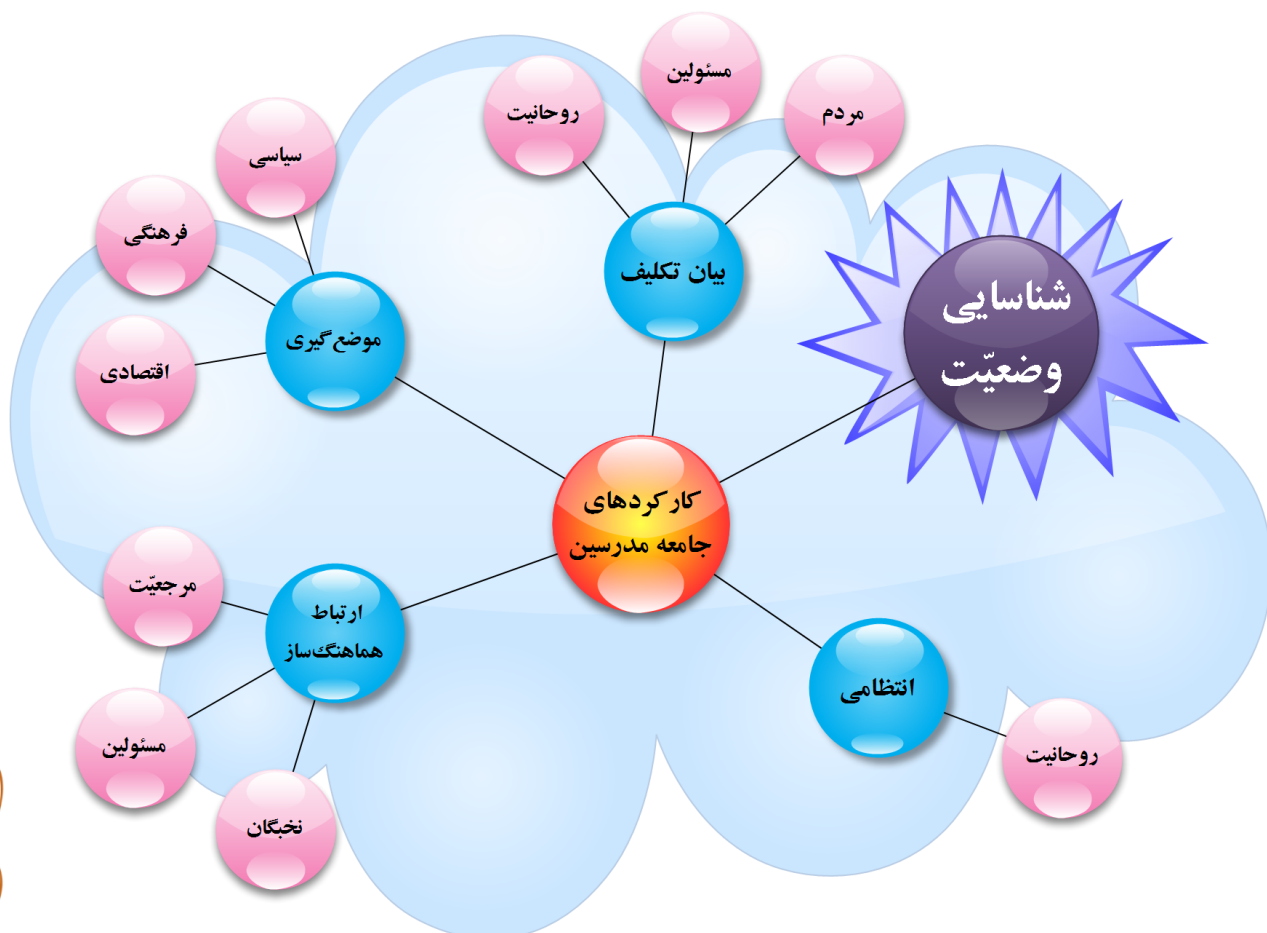
گاهی با بیان موضع خود نسبت به فرد یا گروهی خاص جریانات اجتماعی را جهت می‌داده‌اند، مثلاً در انتخابات یا بحث مرجعیت.

گاهی نیز به صورت صریح تکلیف مردم، مسئولین یا روحانیت را مشخص نموده و به اطلاع می‌رساندند. مانند آنچه برای تجهیز جبهه‌ها اتفاق می‌افتاد، یا در بحبوحه انقلاب، برای تحریک ملت به انجام تکالیف شرعیه نسبت به مبارزات.

گاهی نیاز به اقناع رودررو می‌شده، لذا اعضای جامعه به ملاقات حضوری مراجع رفته، با مسئولین گفتگو نموده و وظیفه انقلابی خود را به انجام می‌رسانده‌اند.

مواردی نیز گزارش شده که جامعه مدرسین نقش انتظامی را در حوزه علمیه بازی نموده و به جای دادگاه ویژه روحانیت به احتمال انحراف عقیدتی روحانیون برجسته رسیدگی کرده است.

کارکردهای جامعه مدرسین



تخصیص عملکرد به مخاطب

اگر کارکردهای جامعه مدرسین را به موارد فوق تعریف نماییم، مخاطبین را نیز که اکنون در اختیار داریم، وارد مرحله سوّم می‌شویم؛ تخصیص هر کارکرد به مخاطب خاصّ خود.

در این مرحله بایستی مشخص نماییم که جامعه برای هماهنگ‌سازی مثلاً نهاد الف، باید چه فعالیت‌هایی نسبت به آن انجام دهد. آیا تنها وظایف و تکالیف آن را استخراج نموده و ابلاغ کند، یا صرف تبلیغ موضع خود نسبت به موضوع کفایت می‌نماید. شاید هم نیاز به گفتگو و تعامل بیشتر باشد، تا قدرت اقناع فراهم گردد.

نوشته حاضر چون تنها نحوه ورود را مطرح نظر داشت، به ذکر روش مطالعات بسنده نموده، وارد موضوع خاصّ مذکور نمی‌گردد.

برای ورود به موضوع شعار سال، بایستی ابعاد فرهنگی و اقتصادی نظام ترسیم گردد، حماسه متوقّع تعریف شده و کیفیت تحقّق عزم ملّی و مدیریت جهادی محاسبه شود. زان سپس می‌توان برای تعامل تأثیرگذار و مفید با هر نهاد اجتماعی نسخه‌ای مستقل نگاشت. ح

سیدمهدی موشح

